

مجله اقتصادی

شماره‌های ۳ و ۴، خرداد و تیر ۱۴۰۱، صفحات ۱۳۱-۱۱۱

تبیین رابطه خمس و مالیات‌های حکومتی و تأثیر خمس بر اصلاح نظام مالیاتی با تأکید بر توسعه عدالت اجتماعی

بهروز بگوند

دانشجوی دکتری الهیات دانشگاه آزاد همدان

خمس و مالیات به عنوان دو منبع درآمد دولت اسلامی برای مصارف مشخص و معین از ابتدای تشکیل حکومت اسلامی تا به امروز شناخته شده‌اند. مقاله حاضر با بررسی تاریخچه ایجاد خمس و مالیات در حکومت اسلامی، به تبیین رابطه این دو و ارائه راهکاری برای ورود و تأثیر خمس بر نظام مالیاتی می‌پردازد. این راهکار می‌تواند تا حد قابل قبولی مشکل پرداختی دوسویه در این بخش که آفت اقتصاد اسلامی است را حل نموده و مؤدیان مسلمان را در مسیری درست و متعادل قرار دهد. اختیارات ایجاد شده در راهکار موجود در این پژوهش برای حاکم اسلامی، با ایجاد انعطاف لازم در اقتصاد جامعه اسلامی، جامعه را در مسیر نیل به توسعه عدالت اجتماعی قرار می‌دهد و اشتیاق مؤدیان را برای پرداخت خمس و مالیات به صورت هدفمند افزایش خواهد داد و دیگر شاهد پرداخت‌های دوسویه و فرار شهروندان از پرداخت مالیات و خمس نخواهیم بود.

واژگان کلیدی: خمس، مالیات، پرداخت‌های دوسویه، عدالت اجتماعی

۱. تعریف و وجوب خمس

طبق آیات و روایات مستند و محکم، بر مسلمانان واجب است که یک پنجم مازاد در آمد سالیانه خود را که نیمی از آن سهم سادات فقیر و نیمی دیگر سهم امام زمان است پرداخت نمایند. این وجوه در دوران حاضر که دوران غیبت حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) است، توسط مراجع عظام تقلید در امور مربوطه مصرف می‌گردد. تعریف خمس در رساله علمیه آیت الله خامنه‌ای به این صورت بیان شده است: خمس در لغت به معنای یک پنجم است؛ و در اصطلاح یکی از واجبات مهم مالی در دین اسلام به شمار می‌رود و عبارت است از مالی که هر فرد واجد شرایط به نسبت یک پنجم طبق ضوابط خاصی باید بپردازد (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه‌ای، بی تا)؛ بنابراین خمس که در زبان عربی به معنای یک پنجم است یکی از مالیات‌های شرعی است که برای رفع مشکلات اقتصادی جامعه اسلامی و افزایش عدالت در توزیع امکانات و ثروت و کمک به حاکم شرع در جهت کاستن از مشکلات امت اسلام و رفع نیازهای جامعه اسلامی در بخش‌های مختلف، بنا نهاده شده است.

خداوند در قرآن کریم در آیه ۴۱ سوره انفال که به آیه خمس مشهور است، وجوب پرداخت خمس و مصارف آن را بیان می‌کند.

«وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِن كُنتُمْ عَامِلْتُمْ بِاللَّهِ وَ مَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقْيِ الْجَمْعَانِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (قرآن کریم، سوره انفال، آیه ۴۱).

ترجمه آیه به این صورت است:

«بدانید هرگونه غنیمتی به دست آورید، خمس آن برای خدا و برای پیامبر و برای خویشاوندان او و یتیمان و مستمندان و واماندگان در سفر از آن‌ها است، اگر به خدا و آنچه بر بنده خود در روز جدایی حق از باطل، روز درگیری دو گروه با ایمان و بی‌ایمان در جنگ بدر نازل کردیم، ایمان آورده‌اید؛ و خداوند بر هر چیزی تواناست» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، ص ۱۸۲).

این آیه زمانی که بین مسلمانان در مورد تقسیم غنیمت‌های جنگی اختلافاتی پدیدار شد، نازل گشت. آیه خمس اگرچه زمانی نازل شد که مسلمانان در شرایط جنگ و جهاد قرار داشتند، اما

متخصصان فقه شیعی بر اساس مستندات روایی عبارت غنیمت را تنها مخصوص غنیمت جنگی ندانسته و آن را به شرایط کلی و عمومی‌تر تعمیم می‌دهند.

در این مسئله نمی‌توان تردیدی وارد کرد که هر دولتی برای اداره کشور و تمامی بخش‌های مختلف و برقراری نظم و امنیت و اجرای پروژه‌های مختلف در بخش صنعت، کشاورزی، شهرسازی، نظامی و سایر بخش‌ها نیاز دارد که بخشی از بودجه خود را از طریق دریافت از مؤدیان و شهروندان تأمین نماید. این بیان را می‌توان فلسفه‌ای برای دریافت مالیات دولتی برشمرد. در بیانی موازی می‌توان استدلالی مشابه برای دریافت خمس البته برای صرف در امور مربوط به آن بیان کرد. با توجه به سابقه طولانی دریافت خمس و اینکه همواره مورد تأیید بزرگان دینی بوده است، نمی‌توان اعتنایی به تردیدهای عنوان شده در این باب نمود. در دوران جاهلیت که سرزمین‌های اعراب به صورت ملوک الطوائفی اداره می‌شد، نیاز چندانی به بودجه‌ای عظیم احساس نمی‌شد و افراد قبایل منابع لازم خود را از گرفتن «رُبْع» (یک‌چهارم) غنائم جنگی تأمین می‌کردند؛ اما با ظهور اسلام، هم وضعیت دریافت مالیات و هم دریافت خمس برای مسلمانان آشکار گردید. آیه خمس نازل شد و تکلیف یکی از اصول اقتصادی جهان اسلام مشخص شد.

سؤالی که در اینجا به ذهن می‌رسد این است که اگر خمس به آن اندازه‌ای که از نظر معتقدین به آن لازم‌الاجراست، آیا لازم نبود آیات بیشتری در قرآن کریم به شکل جدی و محکم‌تری به آن می‌پرداخت؟ در پاسخ به این سؤال می‌توان گفت که لزوماً برای همه احکام و واجبات شرعی نیاز به نزول آیات قرآنی نیست و در بسیاری از موارد شخص رسول خداوند و اوصیای ایشان که جانشینان معصوم آن حضرت هستند، می‌توانند در مورد وجوب یا عدم وجوب تمام مسائل نظر قطعی بدهند. قرآن مجید آیات مربوط به توحید و معاد و نبوت را مکرر و مفصل ذکر کرده است؛ اما تنها آیات محدودی را به بیان احکام اختصاص داده است، به طوری که مشهور است، تعداد آیات الاحکام در قرآن پانصد مورد است و اگر آیات متکرر و یا متداخل را کم کنیم، از این مقدار هم کمتر می‌شود (سیوری حلی، مقداد بن عبدالله، بی‌تا، ص ۲۹). همین‌طور اگر مورد تعمیم خمس از شرایط جنگی به شرایط عادی و معمولی، شبهه‌ای ایجاد شود، می‌توان این‌گونه پاسخ داد که به جز قرآن، روایات متعددی از ائمه علیهم‌السلام وارد شده است که به خوبی بر وجوب خمس در آمد دلالت می‌کند.

اگر کسی بخواهد در برابر روایات مقاومت کرده و همچنان بر تردید و شبهات خویش و دیگران در موضوع خمس بیافزاید، باید او را از حیطه پیروان ولایت خارج دانست. چرا که رهبری و زعامت جامعه با معصومین است و کلام ایشان، کلام خدای متعال به حساب می‌آید. همچنان که پروردگار در قرآن کریم به این مسئله اشاره دارد. «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (مائده، آیه ۵۵)؛ بنابراین اختیار خمس با سرپرست مسلمانان خواهد بود و همان طور که امام خمینی فرمودند: خمس به طور کلی در اختیار ولی امر است و حتی در باب سهم سادات هم باید از ولی امر اجازه گرفت (رابطه خمس و زکات با مالیات‌های حکومتی، محمد مؤمن، ص ۲۸).

۲. آشنایی با مالیات

مالیات چیست؟ این سؤالی است که بسیاری از شهروندان جامعه به دنبال یافتن پاسخی برای آن هستند. آن‌ها می‌خواهند بدانند چرا ملزم به پرداخت بخشی از درآمد خود تحت این عنوان هستند، مالیات را می‌توان هزینه‌ای اجتماعی دانست که همه شهروندان در راستای استفاده بهتر و مداوم از امکانات و منابع یک کشور، ملزم به پرداخت آن هستند. واژه مالیات از کلمه مال گرفته شده و در معانی اجر و پاداش، زکات مال، جریمه، خراج، باج و غیره به کار می‌رود. در اصطلاح علم اقتصاد، مالیات عبارت است از بخشی از درآمد، ثروت، فروش و یا بخشی از هر نوع پایه حقوقی دیگر که توسط دولت از اشخاص حقیقی و حقوقی اخذ می‌شود (منوچهر فرهنگ، ۱۳۷۱، ص ۳۷۱). برای اینکه بدانیم انواع مالیات کدام است باید آن را در هر کشور به صورت جداگانه بررسی کنیم؛ زیرا تفاوت‌هایی در بخش قانون‌گذاری مالیاتی بین کشورها وجود دارد که در این بخش به بررسی انواع مالیات در ایران بسنده می‌کنیم. به طور کلی در کشورمان مالیات به دو دسته مستقیم و غیر مستقیم تقسیم می‌شود؛ مالیات‌های مستقیم خود به دودسته مالیات بر دارایی و مالیات بر درآمد تقسیم می‌شوند. مالیات مستقیم به مالیاتی گفته می‌شود که به صورت مستقیم از درآمد اشخاص و شرکت‌ها کسر می‌گردد. درواقع افرادی که از امکانات رفاهی و مادی بیشتری برخوردارند، مالیات بیشتری نیز می‌پردازند. این نوع مالیات‌ها، درآمد حقیقی پرداخت‌کننده مالیات را کاهش می‌دهد. در مقابل مالیات‌های غیرمستقیم مالیات‌هایی هستند که بر کالاها و خدمات وضع می‌شوند و تحقق

آن‌ها بستگی به انجام برخی از فعالیت‌های اقتصادی در کشور دارد. این نوع مالیات معمولاً بر مصرف‌کنندگان کالا و خدمات تعلق می‌گیرد (عرب مازار، دهقانی، ۱۳۸۸).

۳. تاریخچه خمس و مالیات

اولین مورد دریافت مالیات متعلق به مصر باستان است که در حدود ۵۰۰۰ سال پیش از مالیات‌دهندگان اخذ می‌شد و در منابع و کتاب‌های فراوان از جمله کتاب مقدس به این مسئله اشاره شده است. در کشور ما یک سیستم جامع مالیاتی ایجاد شده بود که به صورتی کامل و پایدار توسط داریوش اول ۲۵۰۰ سال پیش معرفی شد. شواهدی نیز مبنی بر وجود سیستم دریافت مالیات در روم و چین باستان به دست آمده است. یکی از کتاب‌هایی که بررسی جامعی در مورد سیستم مالیاتی موجود در ایران انجام داده است کتاب تاریخچه مالی-مالیاتی ایران از صفویه تا پایان قاجاریه است که وضعیت و چگونگی تأمین مالی آغاز صفویه تا پایان قاجاریه را بررسی و تحلیل می‌کند. این کتاب درباره وضع مالی-مالیاتی ایران طی ۴۲۵ سال و هنگام دودمان‌های حکومتگر صفوی، افشاری، زندی و سرانجام قاجاری است که بیشترین زمان به دودمان‌های نخست و پایانی تعلق دارد. گرفتن مالیات و نظم امور آن به قسمی که دستگاه‌های مالی-اداری آن را به سامان برسانند، طبعاً در استقرار این حکومت‌ها ضرورتی حیاتی داشته است و جای انکار نیست، اما شگفت چیزی که بسیار جای درنگ و حیرت دارد، شدت و حدت ستم و بیدادی است که در گرفتن مالیات‌ها به بهانه نگهداری تاج و تخت و دستگاه‌های حکومتی به کار رفته، است که تفصیل آن در متن کتاب روشن می‌گردد (ویلیم فلور، ۱۳۹۴).

در مورد تاریخچه خمس همان‌طور که در بخش تعریف خمس اشاره شد، اصل این موضوع به زمان صدر اسلام برمی‌گردد. آیه خمس در عصر پیامبری پیغمبر اسلام نازل شده و ایشان این فریضه را به اجرا درآورده‌اند و آنچه مسلم است اینکه پیامبر خمس غنائم جنگی را اخذ می‌کرد؛ اما خمس سود تجارت بنا به ضرورت و مصالحی تا عصر امامان علیهم السلام به تأخیر افتاد. در مورد علت این تأخیر احتمالاتی وجود دارد که نمی‌توان در مورد قطعیت آن‌ها نظر داد یکی از این احتمالات این است که در عصر پیامبر اسلام، تنگدستی به صورت جامعی بر مردم آن زمان شرایط را سخت کرده بود و مسلمانان به جهت تنگ‌دستی، شرایط پرداخت خمس را نداشتند و از این رو پیامبر گرامی (ص) از بیان و جمع‌آوری خمس آن‌طور که باید صرف‌نظر کردند. در زمان ائمه اطهار نیز تا امام

باقر (ع) نامی از خمس به میان نیامد احتمال بعدی را می‌توان به این صورت بیان کرد که رویکرد سیاسی مهم‌ترین عاملی بود که نگذاشت ائمه معصومین تا زمان امام باقر (ع) به بعد این فریضه الهی را به اجرا در آورند؛ زیرا جلب و جمع اموال، از وظایف سلطان بوده و هرکس با آنان رقابت می‌کرد به عنوان فرد متمرّد از قانون و مخالف حاکمیت و به اتهام جمع‌آوری سلاح و توطئه علیه رژیم تحت تعقیب قرار می‌گرفت اما پس از برقراری آزادی نسبی در عصر عباسیان و شرایط موجود، به ائمه این امکان را داد تا به طور غیر علنی خمس را از مسلمانان دریافت کنند (احکام الخمس، محمد تقی مدرسی).

میان خمس و زکات هم از همان ابتدا تفاوت مشخصی وجود داشت. خمس با زکات این تفاوت را دارد که منفعت زکات به عموم مسلمانان برمی‌گردد؛ ولی موضوع خمس به شخص پیامبر اکرم و خویشان او اختصاص دارد؛ لذا مصلحتی بر اجرای آن نمی‌دیدند (خوبی، ۱۳۶۴).

۴. مبانی فقهی خمس

سخن از مبانی فقهی خمس را می‌توان با مطرح کردن چند سؤال آغاز کرد. سؤالاتی که دو گروه آن را مطرح می‌کنند؛ گروه اول کسانی که به صورت طبیعی نسبت به این حکم الهی دچار تردید هستند و در صورت دریافت پاسخ‌های قانع‌کننده این حکم را خواهند پذیرفت و گروه دوم کسانی که از پایه با این دستور الهی مخالفت کرده و هیچ‌گونه انعطافی را در این باره نمی‌پذیرند. سؤالات مذکور از اینجا آغاز می‌گردد که چرا در قرآن فقط یک آیه اشاره به خمس نموده است و در آن آیه صراحتاً به پرداخت یک پنجم غنائم جنگی اشاره شده است؛ از سوی دیگر، اهل سنت که حساسیت بالایی نسبت به آیات قرآن و دستورات و سیره پیامبر دارند، چرا با این مسئله مخالفت کرده و دلایل شیعیان را قانع‌کننده نمی‌دانند. این در حالی است که پرداخت خمس ذاتاً عمل مناسبی برای حفظ تعادل در تقسیم ثروت و کم کردن فاصله اقتصادی طبقات مختلف جامعه است. برخی فرق اسلامی خمسی که نزد شیعه متداول است را فاقد روایات صحیحی دانسته و تا جایی پیش رفته‌اند که مراجع تقلید را به عنوان دریافت‌کنندگان خمس فاقد حق و توجیه شرعی می‌دانند؛ از دیگر شبهات بیان شده درباره خمس، موارد مصرف آن است. در فقه شیعی نیمه از خمس به سادات فقیر تعلق پیدا می‌کند و نیم دیگر به عنوان سهم امام در دوران غیبت امام زمان توسط مراجع تقلید دریافت و در اموری مشخص هزینه می‌گردد. بیشتر فقها و مفسرین تشریع خمس در اسلام را

در سال دوم هجرت، هنگام جنگ بدر دانسته‌اند. غنیمت‌های فراوان به دست آمده در این جنگ مناقشات و اختلاف نظرهایی را بر سر تقسیم غنائم میان جنگ آوران و گردآورندگان غنائم به دنبال داشت. در عرب پیش از اسلام قاعده این بود که معمولاً فرمانده جنگ یک چهارم غنائم را دریافت می‌کرد (فراهیدی، ۱۴۰۵ ق).

حال در اینجا لازم بود که آیه‌ای نازل شده و تکلیف امر را برای مسلمانان یکسره کند. آیه خمس نازل شد و مسئولیت مسلمانان را در این زمینه مشخص کرد.

یکی از اصلی‌ترین دلایلی که می‌توان برای اثبات وجود خمس و فلسفه ایجاد آن تشریح کرد، هزینه‌هایی است که رهبر جامعه اسلامی برای پیشبرد اهداف حکومت اسلامی باید انجام دهد. این هزینه‌ها نیاز به تأمین منابعی دارد که بخشی از آن از طریق خمس تأمین می‌گردد. این هزینه‌ها جدا از هزینه‌های نظامی، عمرانی، کشاورزی و سایر هزینه‌های این چنینی است. درواقع بین هزینه‌های عمومی کشور که مربوط به هزینه‌های عمرانی و سایر هزینه‌ها است و هزینه‌های دینی تفاوت قائل شویم و این نقطه را همان تفاوت محل مصرف خمس و مالیات بدانیم. خمس و مالیات علی‌رغم وجود ارتباط عمیقی که با هم دارند، تفاوت‌هایی نیز به صورت طبیعی داشته که اینجا یکی از همان موارد اختلاف است؛ یعنی اختلاف در محل مصرف.

یکی از کلیدی‌ترین نکات مورد بحث درباره مسئله خمس و آیه خمس، عبارات به کار رفته در این آیه است که محل اختلاف موافقان و مخالفان خمس قرار گرفته است. علی‌الخصوص عبارت غنیمت که همان‌طور که از ظاهر آن پیدا است می‌تواند خمس را تنها به دست آورده‌های نظامی محدود کند و در این بخش عقیده مخالفان خمس را به کرسی بنشانند. در اینجا لازم است با این واژه بیشتر آشنا شویم.

جدا از معنای لغوی غنیمت، معنای اصطلاحی نیز قابل توجه است. در اصطلاح غنیمت عبارت است از چیزی که مسلمانان در میدان کارزار با جنگ و پیروزی به دست آورده‌اند. لیکن به اموالی که از راه اختلاس و غارت به چنگ آمده غنیمت گفته نمی‌شود (ماوردی، بی‌تا).

هم‌معنای لغوی و هم‌معنای اصطلاحی غنیمت، عقیده مخالفان خمس را اثبات می‌کند؛ اما مسئله اینجا است که در بسیاری از موارد آیات الهی نیاز به تفسیر و بررسی بیشتری دارند و گاهی آن مفهوم اصلی که از یک آیه بر می‌آید با معنای ظاهری آن متفاوت است. این اتفاق نه فقط در مورد

آیه خمس که در بسیاری از آیات دیگر قرآن تکرار شده و هم مفسران اهل تشیع و هم اهل تسنن بر این مسئله اتفاق نظر دارند. گروهی از فقهای تابعین غنیمت را در اصطلاح فقهی این گونه بیان کرده‌اند. غنیمت بر آنچه در حال جنگ از راه قهر و غلبه از غیرمسلمانان اهل حرب گرفته شود اطلاق می‌گردد (برزنجی، ۱۳۸۰).

برخی دیگر از مفسرین علی‌رغم اذعان به گستردگی مفهوم غنیمت، در آیه مذکور صرفاً مفهوم غنیمت جنگی را برای آن قائل می‌شوند و از تعمیم دادن مفهوم غنیمت به سایر اموال و دارایی‌ها اجتناب می‌کنند. برخلاف این نظرات فقه تشیع مفهومی کلی‌تر برای واژه غنیمت در نظر می‌گیرد. «قرطبی» که از مفسران معروف و به نام اهل تسنن است در تفسیر خود، ذیل آیه خمس چنین تفسیر می‌نماید: غنیمت در لغت خیری است که فرد یا جماعتی با کوشش به دست می‌آورند و بدان که اتفاق (علمای تسنن) بر این است که مراد از غنیمت در آیه «وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ» اموالی است که با قهر و غلبه در جنگ به مردم می‌رسد، ولی باید توجه داشت که این قید همان طور که گفتیم در معنی لغوی آن وجود ندارد ولی در عرف شرع این قید وارد شده است (مؤسسه التاریخ العربی، ۱۴۰۵).

فخر رازی در تفسیر خود این گونه بیان می‌دارد: غنیمت این است که انسان به چیزی دست یابد؛ و پس از ذکر این معنی وسیع از نظر لغت می‌گوید: معنی شرعی غنیمت (به عقیده فقهای اهل تسنن) همان غنایم جنگی است (فخر رازی، بی‌تا).

در ظاهر ابتدایی آیه، تنها خمس مربوط به غنایم جنگی به نظر می‌رسد و برای ورود مفهوم خمس به سایر بخش‌های مورد اختلاف باید از سیره رسول‌الله و اخبار و روایات صحیح و معتبر استفاده کرد و بارها اتفاق افتاده است که قرآن به قسمتی از یک حکم مشخص اشاره کند و قسمت‌های دیگری در سنت و روایات بیان شود. همان طور که قبلاً اشاره شد این اتفاق در موضوعات مختلف دیگر تکرار شده است. به عنوان مثال، در قرآن اشاره‌ای به نماز آیات نشده اما مورد اتفاق همه مسلمانان است و صرف نبودن آیه یا تنها اشاره یک آیه به یک موضوع خاص باعث نمی‌شود که ما از پذیرش واقعیت در آن موضوع سرباز زنیم. اشاره به سخن یکی از بزرگ‌ترین لغت‌نویسان عرب نیز در این زمینه راهگشا خواهد بود. خلیل بن احمد فراهیدی، نخستین لغت‌نویس عرب که همه کتب معاجم از او بهره گرفته‌اند می‌گوید: «غنم» به معنای دست یافتن به

چیزی است و «اغتنام» به معنای بهره‌برداری از چیزی است. در تفاسیر اهل بیت (علیهم‌السلام) چنین آمده است که آیه شامل تمام منافعی می‌شود که انسان در زندگی از طریق تجارت، حرفه یا کشاورزی به دست می‌آورد؛ یعنی هر سودی که انسان از کارکرد خود در طول سال می‌برد، اگر بیش از مصارف سال خود و افراد تحت تکفلش باشد به آن خمس تعلق می‌گیرد (حر عاملی، بی‌تا).

۵. موارد مصرف خمس

موارد مصرف خمس مسئله پیچیده‌ای نیست و تمام کسانی که جزو معتقدین خمس به شمار می‌آیند در موارد مصرف آن با یکدیگر اختلاف نظری ندارند. خمس را باید دو قسمت کرد: یک قسمت آن سهم مبارک امام (علیه‌السلام) است و نیم دیگر سهم سادات. سهم سادات را باید بنابر احتیاط واجب به مجتهد داد یا با اجازه مجتهدی که از او تقلید می‌کند سادات فقیر یا یتیم نیازمند، یا ساداتی که در سفر وامانده‌اند و نیازمند هستند، بدهد (هرچند در محل خود فقیر نباشند) ولی سهم امام (علیه‌السلام) را در زمان ما باید به مجتهد عادل که از او تقلید می‌کند یا نماینده او تحویل داد تا در مصارفی که مورد رضای امام (علیه‌السلام) است از مصالح مسلمین و مخصوصاً اداره حوزه‌های علمیه و مانند آن مصرف کند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸).

در اینجا معدود سؤالاتی در ذهن مخاطب ایجاد می‌شود که پاسخ اکثر مراجع به این سؤالات یکسان و مشخص است که ما در اینجا این سؤال که آیا خمس و سهم سادات را می‌توان بدون اجازه مرجع تقلید پرداخت کرد را به همراه چند مورد از این پاسخ‌ها مورد بررسی قرار می‌دهیم. امام خمینی (ره): باید به مرجع تقلید خود یا مجتهدی که مانند او از نظر کمیت و کیفیت به مصرف می‌رساند، بپردازد و نیز می‌تواند در جایی مصرف کند که مرجع تقلیدش اجازه می‌دهد. (توضیح المسائل مراجع، ۱۸۳۴).

آیت‌الله العظمی خامنه‌ای: باید خمس را به ولی امر مسلمانان یا وکیل او بدهد و اگر به فتوای مرجع تقلید خود نیز عمل کند، موجب برائت ذمه می‌شود (خامنه‌ای، اجوبه المسائل).

آیات عظام فاضل (ره)، نوری، مکارم، بهجت و وحید: باید سهم امام را به مرجع تقلید خود یا مجتهدی که مانند او از نظر کمیت و کیفیت به مصرف می‌رساند، بدهد و نیز می‌تواند در جایی مصرف کند که مرجع تقلیدش اجازه می‌دهد و سهم سادات را بنابر احتیاط واجب، باید به مرجع

تقلید خود و یا با اجازه او به سادات بدهد (توضیح المسائل مراجع، ۱۸۳۴؛ نوری، توضیح المسائل، ۱۸۳۰؛ وحید، توضیح المسائل، ۱۸۴۳).

آیت الله العظمی تبریزی: باید سهم امام را به مرجع تقلید خود یا به مصرفی که او اجازه می‌دهد، برساند و چنانچه بخواهد به مجتهد دیگری بدهد، بنابر احتیاط واجب باید از مرجع تقلید خود اجازه بگیرد و سهم سادات را می‌توان به خود آنان داد (توضیح المسائل مراجع، ۱۸۳۴).

آیت الله العظمی سیستانی: باید سهم امام را به مرجع تقلید خود یا به مصرفی که او اجازه می‌دهد، برساند و احتیاط واجب آن است که او مرجع اعلم و آگاه بر جهات عامه باشد و سهم سادات را می‌توان به خود آنان داد (توضیح المسائل، ۱۸۳۴).

آیت الله العظمی صافی: باید سهم امام را به مرجع تقلید خود یا مجتهدی که مانند او از نظر کمیت و کیفیت به مصرف می‌رساند، بدهد و نیز می‌تواند در جایی مصرف کند که مرجع تقلیدش اجازه می‌دهد و سهم سادات را نیز می‌توان به خود آنان داد (توضیح المسائل، ۱۸۳۴).

۶. رابطه خمس و مالیات

در مقالات و کتب متعدد در موضوع رابطه میان خمس و مالیات سخن‌های فراوانی به میان آمده است. در این پژوهش نیز، رابطه موجود میان خمس با مالیات‌های حکومتی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و به بررسی راهکارهایی برای بهبود سیستم مالیاتی با تأثیرگذاری خمس بر آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. رفع موازی کاری و برقراری نظام پرداخت هماهنگ و یکسان از جمله اهداف اساسی این پژوهش است. یکی از معضلات و مشکلات موجود در نظام مالیات کنونی که نتیجه اتخاذ این نگاه موازی به نظام مالیاتی است، برخورد دوسویه با افراد متدین و مذهبی است. برای مثال فردی مذهبی که مشمول مالیات بر درآمد است فارغ از پرداخت وجوهات شرعی باید مالیات خود را نیز بپردازد. در حالی که فرد غیر مقید به پرداخت وجوهات شرعی، تنها مالیات را پرداخت کرده و متحمل بار مالی زیادی نمی‌شود. در حالی که انتظار می‌رود در یک نظام مالیاتی مبتنی بر اصول اسلامی، افراد متدین و مذهبی کمترین فشار مالی را متحمل شوند (موحدی بکنظر، رضایی، ۱۳۹۱).

خمس این قابلیت را دارد که با ورود به نظام مالیاتی و اصلاح آن، تمایل بیشتری را در شهروندان جامعه در پرداخت وجوهات شرعی و مالیات ایجاد نماید. یکی از مسائل اساسی و تأثیرگذار در جامعه اسلامی امروز ما، رابطه مالیات با واجبات مالی شرعی همچون زکات و خمس

است. این مسئله فراتر از آنچه فکر می‌کنیم ذهن مردم، دولت‌مردان و پژوهشگران را به خود معطوف نموده است. بر کسی پوشیده نیست که درصد قابل توجهی از سیستم مالیات اسلامی و در نتیجه منابع مالی دولت اسلامی را وجوهات شرعی همچون زکات و خمس تشکیل می‌دهد و بنابراین حاکم شرع مسئول گردآوری این وجوهات است، اما این نگرش همه شهروندان نیست و عده‌ای دیگر این وجوهات را از مالیات جدا می‌دانند، همان مسئله‌ای که مورد اعتراض افراد مقید به وجوهات شرعی قرار گرفته است. در این پژوهش نیز به بررسی موضوع پرداختی دوسویه و موازی کاری‌های ناهماهنگ ناشی از عدم هماهنگی مالیات و خمس می‌پردازیم.

یکی از تفاوت‌های خمس و مالیات که به عنوان اصلی‌ترین چالش بر سر راه ایجاد سیستم هماهنگ دریافت قرار گرفته است، تفاوت‌هایی است که به اختلاف عمیق در ماهیت این دو مسئله می‌پردازد. مالیات دولتی به هرگونه درآمدی تعلق می‌گیرد ولی موارد تعلق خمس موارد خاصی است. گسترده‌ترین مورد خمس، منافع درآمد است. از نظر مصرف نیز خمس و مالیات تفاوت اساسی دارند؛ زیرا دولت، مالیات را در ترمیم هر نوع چالش حکومتی به کار می‌برد، در صورتی که بخشی از خمس، ویژه یتیمان، مساکین و درماندگان از سادات است و بخش سهم امام نیز در درجه اول مصرف خاص خود را دارد (یوسفی و دیگران، ۱۳۷۹).

با دقت و ریزبینی در کلام وحی و سخنان معصومین درباره خمس و موارد مشابه همچون زکات و انفال، به این نتیجه می‌رسیم که پروردگار عالم این امور را برای افزایش توان مدیریت جامعه اسلامی در اداره حکومت و تأمین نیازهای فقرا اعم از سادات فقیر و دیگر نیازمندان مقرر فرموده است. مالیات همان طور که قبلاً اشاره شد برای تأمین حوائج اقتصادی دولت اسلامی ایجاد شده است بر اساس یک بینش مشخص درباره مالیات و ارتباط آن با مواردی همچون خمس، این گونه می‌توان گفت که منابع درآمدی شرعی یعنی خمس، زکات و انفال برای مدیریت اقتصادی جامعه اسلامی به قدر کفایت نباشد، مدیر جامعه اسلامی می‌تواند مالیات را مقرر نماید. آنچه از شواهد تاریخی بر می‌آید این است که هیچ‌گاه دریافت مالیات از شهروندان و مؤدیان منتفی نبوده است.

درباره علل و مبانی فقهی و قانونی مالیات در یک نگرش جامع تر می‌توان بیان کرد پروردگار عالم بعضی از اموال را که در یک لیست مشخص قرار دارند، برای مدیریت کشور اسلامی قرار داده

است و جامعه اسلامی باید کشور را با استفاده از این اموالی که در اختیار اوست مدیریت نماید. مالیات‌هایی هستند که حاکم اسلامی در موارد و شرایط خاصی وضع نموده و از طرف شارع مقدس، مقدار و نسبت خاصی برای آن‌ها در شرع مقدس در نظر گرفته نشده است؛ بلکه تابع هزینه‌های ضروری و یا مطابق مصلحتی است که حاکم اسلامی در نظر دارد (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مبانی اقتصاد اسلامی، ۱۳۷۹).

امروزه جایگاه مالیات در کنار خمس، زکات و انفال در جامعه اسلامی کاملاً آشکار و مشخص است، بررسی روش‌های ایجاد تشویق‌های مالیاتی جزو مهم‌ترین سیاست‌های کلان اقتصادی است. روش‌های ایجاد حمایت‌های مالیاتی از پرداخت خیریه که در کنار مالیات می‌تواند در یک صندوق مشترک قرار گیرد جامعه را در مسیر رشد و توسعه عادلانه قرار می‌دهد.

پس از بررسی اجمالی مفاهیم خمس، مالیات و بررسی مقدماتی رابطه میان این دو، در ادامه ابتدا به تجزیه و تحلیل مبانی فقهی خمس پرداخته و سپس به صورت کامل‌تری رابطه میان خمس و مالیات را بیان خواهد شد.

در مورد ابعاد فقهی خمس و رابطه‌ای که بین این واجب الهی و مالیات می‌توان در نظر گرفت، در چند جنبه مختلف می‌توان صحبت کرد. در مورد چرایی واجب شدن خمس با توجه به آیه شریف قرآن در بخش‌های قبل به اندازه کافی بحث شد. از آنجا که خمس از مسائل مهم و تأثیرگذار در بخش اقتصادی جوامع اسلامی است تجزیه و تحلیل فقهی آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که در این زمینه مباحثی مطرح گردید و حال نوبت به آن رسیده است که همگرایی و رابطه میان خمس و مالیات‌های حکومتی در ابعاد وسیعی مورد بررسی قرار گیرد. در این قسمت ابتدا به بررسی تفاوت‌های موجود میان خمس و مالیات از جمله به بررسی تفاوت در ریشه شکل‌گیری و موارد مصرف هر کدام از آن‌ها پرداخته خواهد شد و در گام بعدی به اصل موضوع مورد بحث در این بخش، یعنی رابطه موجود میان این دو می‌رسیم. در مورد فلسفه ایجاد خمس و مالیات‌های دولتی در بخش‌های قبل مباحثی مطرح شد. فلسفه وجود مالیات بر مبنای برآورده نمودن احتیاجاتی است که دولت در بخش اقتصادی باید آن‌ها را تأمین کند؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که فلسفه وجودی مالیات با فلسفه خمس تا حدودی دارای اختلاف است. البته وجود چنین اختلافی هیچ‌گاه نمی‌تواند خللی به رابطه میان آن‌ها وارد کند. شباهت‌های موجود که به آن‌ها خواهیم

پرداخت بسیار بیشتر از این اختلاف طبیعی است. هدف از بررسی رابطه میان خمس و مالیات پیدا کردن یک روش و الگوی جدید در سیستم پرداخت، بر مبنای مشترکات میان آن‌ها است. الگویی که بر مبنای وجوه اشتراکی تعریف شده و یک الگوی اقتصادی جدید بر مبنای ترکیب این دو را به جامعه اسلامی عرضه خواهد نمود. چه بسا اگر در صدر اسلام ولایت امیر مؤمنان به آن شکلی که خداوند امر کرده بود و رسول الله آن را به مسلمانان ارائه نمود پیاده‌سازی می‌شد، ما امروز شاهد تحقق این الگو می‌بودیم.

البته ما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی می‌توانستیم شاهد ایجاد چنیتی سیستمی باشیم. (بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، فضای لازم برای همگرایی نظام مالیاتی کشور با نظام مبتنی بر وجوهات شرعی و به نوعی پیاده‌سازی نظام مالیاتی متناسب با الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت پیش آمد اما بنا به دلایلی آن طور که باید، دغدغه فقها و محققان اقتصاد اسلامی قرار نگرفت. ما بنا به دلایلی آن طور که باید، دغدغه فقها و محققان اقتصاد اسلامی قرار نگرفت. این عدم توجه موجب شده است تا مؤدی مسلمان مقید به پرداخت وجوهات شرعی با پرداختی‌های تکلیفی دوسویه پرداخت مالیات از یک سو و پرداخت وجوهات شرعی از سوی دیگر مواجه باشد (موحدی بکنظر، رضایی (۱۳۹۱)، ارتباط وجوهات شرعی و مالیات‌های حکومتی در الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی). عملیات پرداخت مالی موازی برای مالیات دهندگان مسلمان یکی از آثار نامطلوبی است که نتیجه این عدم تحقق نظام مالی جدید است. در شرایطی که می‌توانستیم با ایجاد دید مشترک با تکیه بر خصوصیت‌های مشابه میان دو سیستم پرداختی به ایجاد روشی جامع پرداخت که مشکلات بیان شده را مرتفع نماید. برای بررسی بهتر این موضوع ابتدا باید ببینیم که مالیات را جزو کدام دسته از احکام الهی می‌توان در نظر گرفت. لازم است قبل از آن با مفهوم عبارت حکم آشنا گردیم. جهت اطلاق حکم به قوانین و باید‌ها و نبایدهایی که از سوی خدای سبحان در رابطه با افعال مکلفین جعل شده، از این جهت باشد که حکم کردن، اظهار رأی و نظریه دادنی است که همراه با خیراندیشی است. از همین رو است که فقها در تعریف حکم گفته‌اند: حکم، قانون وضع شده از طرف خداوند متعال، برای تنظیم حیات بشری است (صدر، ۱۴۰۶ ق). در یک تقسیم‌بندی کلی و عمومی احکام شرعی به دو دسته اولیه و ثانویه تقسیم می‌شوند. حکم اولیه به آن دستوری گفته می‌شود که شارع اسلام بر مبنای صلاح و فساد اولی موجود در موضوع یا متعلق انشا کرده است. اما حکم ثانویه در

موردی است که شارع بر مبنای تراحم و صلاح و فساد حالت عارض و موقت، با مصلحت و مفسده اولی جعل حکم می‌کند (یزدی، ۱۳۶۴).

در میان فقه‌های اسلامی عده‌ای مالیات را حکمی اولیه و عده‌ای دیگر آن را حکمی ثانویه می‌دانند که البته فقه‌های معاصر و نزدیک به عصر ما بیشتر در دسته دوم قرار می‌گیرند. البته برخی از فقه‌های دسته دوم در حالی که مالیات حکومتی را حکم ثانویه تلقی کرده و جواز آن‌ها را منوط به حکم حاکم شرع می‌دانند اما نوع تحلیل دسته (الف) در توجیه مالیات را برمی‌گزینند (درواقع در تحلیل و بررسی خود مالیات را حکم ثانویه ندانسته بلکه آن را حکم اولیه می‌دانند) چرا که از یک سو جواز اخذ مالیات را منوط به نظر حاکم شرع دانسته (به عنوان حکم ثانویه) و از سوی دیگر تحلیل خود را بر اساس اولیه بودن حکم مالیات ارائه می‌دهند (موحدی بکنظر، رضایی، ۱۳۹۱).

متأسفانه نگاه غیر منعطف به مسئله مالیات و خمس باعث شده تمام تلاش‌ها و پژوهش‌هایی که تاکنون درباره ایجاد سیستمی مبتنی بر ورود خمس به مالیات انجام شده بی‌اثر گردد. اینکه بر اساس فتاوی مراجع محترم عظام که اکثراً این دو موضوع را به یکدیگر غیر مرتبط دانسته و پرداخت هر یک را مانعی بر پرداخت دیگری ندانسته‌اند، عمل کنیم نتیجه‌ای جز ایجاد دوگانگی و عدم انسجام و هماهنگی در سیستم پرداخت نخواهیم دید. تنها افراد متدین و معتقد خود را ملزم به پرداخت هر دو می‌دانند که البته همین گروه می‌توانستند در صورت وجود سیستم مشترک، از بخشی از پرداخت معاف شوند. دسته دیگری صرفاً مالیات‌دهنده و گروهی صرفاً خمس‌دهنده هستند و اعتقادی به پرداخت مالیات ندارند. تنها راه موجود برای برون‌رفت از وضعیت فعلی، اعتنا به نتایج پژوهش‌های انجام شده و ایجاد نگاه منعطف به این مسئله است. برخی از پژوهشگران رابطه جالبی میان خمس و مالیات ارائه نموده‌اند که می‌تواند آغازی بر شروع نگاه جدید باشد؛ به عنوان نمونه، در مقاله آقایان موحدی و رضایی، خمس علاوه بر واجب شرعی به عنوان واجب حکومتی عنوان شده و البته پرداخت مالیات صرفاً به پرداخت خمس محدود است. در این صورت خمس دریافتی برای موارد مربوطه مصرف و مانده دریافتی آن صرف امور خواهد شد که قبلاً مالیات برای آن‌ها دریافت می‌گردید.

در راهکار دیگری که توسط یکی از پژوهشگران حوزه مورد گفتگو بیان شده است. به سیستم جدیدی در نظام پرداخت خمس و مالیات می‌رسیم. آقایان احمد شعبانی و عبدالمحمد کاشیان در

این روش این گونه بیان می‌دارند که هر فرد مسلمان مقید به پرداخت وجوهات شرعی، وجوهات خود را از طریقی که برای سازمان امور مالیاتی مستند باشد؛ برای مثال از طریق حساب بانکی - به ولی فقیه منتقل می‌کند. حال این ولی فقیه است که بر اساس نیازهای حوزه‌ای علمیه و مراجع تقلید، وجوه مورد نیاز آن‌ها را تأمین می‌کند و مازاد بر آن را در اختیار دولت قرار می‌دهد (شعبانی، کاشیان، ۱۳۹۵).

این روش تا حدودی بی‌شبهت به روشی که در پژوهش قبل مطرح شد نیست. سؤالی که ذهن اکثر مخاطبان درباره دو روش اعلام شده با آن درگیر خواهد بود این است که اگر مازاد خمس به اندازه‌ای نباشد که کفاف مصارف عمومی دولت را بدهد، تکلیف چیست؟ در پاسخ باید گفت زمانی که خمس به عنوان واجب حکومتی اعلام گردد، قطعاً میزان دریافتی به اندازه‌ای خواهد بود که جوابگوی بخش‌های مورد نظر باشد. البته انتقاداتی به روش ارائه شده در دو پژوهش قبلی مطرح است که جای بررسی دارد. هرچند که دو پژوهش فوق از بهترین تحقیقات ارائه شده در این حوزه است و سخت می‌توان نقص و ضعف مشخص و قابل توجه‌ای را در آن‌ها یافته و ارائه نمود، اما با توجه به اینکه دو پژوهش ورود مناسبی به بخش راهکار پیشنهادی داشته‌اند و هردو پیشنهاد قابل توجه‌ای را به حوزه و دولت ارائه نموده‌اند، اما نتوانسته‌اند جامعیت لازم و مورد نیاز را در پیشنهاد خود ارائه دهند. این پیشنهاد ویژه و عالی که در این دو تحقیق ارائه شده، می‌توانست با بررسی بهتر و دقیق‌تر توسط پژوهشگران آن، راهکار ارائه شده را نه فقط در حد یک پیشنهاد قابل بررسی، بلکه در حد یک قانون کاربردی جامع بهبود بخشد.

راهکارهای ارائه شده در دو پژوهش قبل نشان داد مسئله ارتباط میان خمس و مالیات نه فقط یک الگوی تئوری غیر قابل اعتنا، بلکه مسئله‌ای کاملاً کاربردی و قابل بررسی و البته قابل احترام است. برای تمام مخالفان ترکیب و ایجاد رابطه میان خمس و مالیات باید تشریح کرد که عمده اتکای درآمدی بودجه دولت اسلامی بر ردیف‌های خمس، زکات، خراج و انفال بوده که ترکیبی از مالیات و واگذاری است، محوریت هزینه کرد نیز بر رفع تبعیض و فاصله طبقاتی، ایجاد فرصت‌های شغلی و امنیت جامعه است (الگوی پیشنهادی تدوین بودجه در دولت اسلامی ص ۹۹). زمانی که ذهن خود را بر محوریت هزینه کرد تمامی دریافتی‌ها متمرکز کنیم، خواهیم دید علی‌رغم

وجود اختلاف ظاهری در محل مصرف خمس و مالیات، همه این موارد برای رشد و توسعه همه‌جانبه حکومت اسلامی خواهد بود.

رابطه میان خمس و مالیات صرفاً به ارائه راهکارهایی برای ترکیب این دو با همدیگر محدود نخواهد شد. در بسیاری موارد، پژوهشگران از قوانین موجود در خمس برای بهبود قوانین مالیاتی بهره گرفته‌اند. در این پژوهش‌ها سعی شده است تا با استفاده از این قوانین روند پیاده‌سازی یک الگوی مالیاتی مناسب را طرح ریزی کند در همین راستا از احکام خمس و زکات که در حال حاضر از شمول جامع‌تری برخوردار هستند، استفاده شده است (شمس‌الدینی، شهرکی، ۱۳۹۰).

با توجه به نقاط ضعف فراوان موجود در نظام مالیاتی کشور بهره‌گیری از قوانین موجود در خمس و زکات در این زمینه راهگشا است. متأسفانه نظام مالیاتی کشورمان به رغم تغییرات فراوانی که تا امروز در آن انجام گرفته است، در حال حاضر صرفاً به عنوان یک منبع درآمد برای حکومت استفاده شده و سایر ابعاد نظام مالیاتی، از جمله توسعه اقتصاد و ایجاد مشوق‌های کسب و کار، مورد توجه لازم قرار نگرفته است، در حالی که حدود صد سال است که از سابقه مالیات ستانی در ایران می‌گذرد اما نظام مالیات‌گیری در ایران چندین قدم از کشورهای در حال توسعه عقب است. آسیب‌شناسی نظام مالیاتی فعلی کشور در چارچوب ارکان سه‌گانه آن بیان‌کننده وجود مشکلاتی در ارکان مذکور است. پیچیدگی و عدم جامعیت، وجود معافیت‌های گسترده و در عین حال ناکارآمد و ضعف در ضمانت‌های اجرایی از مشکلات موجود در حوزه قوانین و مقررات مالیاتی می‌باشند. در خصوص دستگاه مالیات‌ستان نیز می‌توان به چالش‌هایی مانند ضعف در زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و هزینه‌های وصول بالا و همچنین در ارتباط با مؤدیان مالیاتی به عنوان رکن سوم نظام مالیاتی نیز می‌توان به وضعیت نامطلوب تمکین مؤدیان و عدم رضایت‌مندی ایشان اشاره کرد (نظری، فدایی، ۱۳۹۲). اگر با استفاده از ظرفیت‌های موجود در قوانین اسلامی، وضعیت مالیاتی بهبود نیابد، مستقیماً فضای کسب و کار را تحت تأثیر آثار منفی خود قرار خواهد داد و این می‌تواند عاملی سدکننده در مسیر توسعه و رشد جامعه اسلامی باشد. یکی از عوامل مهم در بهبود فضای کسب و کار توجه ویژه به بحث مالیات و مطالعات مستمر در این خصوص است تا همواره با اتخاذ سیاست‌های مناسب شرایط بهبود فعالیت‌های اقتصادی به وسیله این ابزار مهم سیاست مالی فراهم گردد (سالاری، ۱۳۹۰).

با توجه به این ضعف‌ها بهبود این وضعیت با تمرکز بر ورود خمس، لازم به نظر می‌رسد. البته رابطه میان خمس و مالیات صرفاً به تغییر قوانین مالیاتی محدود نخواهد بود و در ادامه به بررسی یکی از بهترین پیشنهادات ارائه شده در بخش رابطه خمس و مالیات و ترکیب آن‌ها خواهیم رسید. اگر بتوانیم خمس ارباح مکاسب را به جای مالیات بر مجموع درآمد، جایگزین کنیم، به یکی از موضوعات جدید و در عین حال جذاب در دهه‌های اخیر در حوزه پژوهش‌های علوم اقتصاد اسلامی ورود کرده‌ایم. امکان قرار گرفتن وجوهات شرعی همچون خمس در میان آیین‌نامه‌های نظام مالیاتی و یا حتی جایگزینی به جای این قوانین می‌تواند از راهگشایترین روش‌های مورد بررسی باشد. در مقاله‌ای تحت عنوان طراحی الگوی جایگزینی خمس ارباح مکاسب و مالیات بر مجموع درآمد در اقتصاد اسلامی ایران، با بررسی‌های به عمل آمده به این نتیجه دست یافته است که امکان ارائه یک روش ترکیبی بر مبنای تلفیق خمس و مالیات وجود داشته که می‌تواند عدم کارایی لازم در سیستم فعلی را جبران کند. در الگویی که از سوی پژوهشگران این مقاله ارائه شده است، مؤدی مسلمان می‌تواند سیستم پرداختی خود را انتخاب کرده و مخیر خواهد بین خمس و مالیات یکی را برگزیند. این روش یکی از مؤثرترین پیشنهادات ارائه شده در بین مقالات موجود را دارا بوده و می‌تواند مورد توجه نگارندگان قوانین و آیین‌نامه‌های مالیاتی قرار گیرد. با در نظر گرفتن شباهت‌های نسبی این دو روش پرداختی و البته اذعان به وجود تفاوت‌هایی اندک بین این دو سیستم، امکان قرار گرفتن خمس در بین قوانین مالیاتی وجود دارد. هرچند که نویسنده به درستی در ادامه اشاره می‌کنند که حذف کامل ساختار مالیاتی کنونی ممکن نیست و صرفاً باید از روشی ترکیبی استفاده نمود. یافته این تحقیق، حاکی از آن است خمس ارباح مکاسب و مالیات بر مجموع درآمد شباهتی نسبی به یکدیگر دارند و البته تفاوت‌هایی نیز در این دو مشاهده می‌شود؛ همچنین، امکان جایگزینی با مالیات بر مجموع درآمد وجود دارد ولی جایگزینی کامل و حذف مالیات بر مجموع درآمد از نظام مالیاتی، با توجه به مقتضیات زمان حاضر الگوی بهینه نیست. الگوی بهینه ساختار تلفیقی است که پرداخت کنندگان خمس از مالیات معاف شوند و کسانی که اقدام به پرداخت خمس نکنند مشمول مالیات بر مجموع درآمد شوند (سلیمانی، سرمست، ۱۳۹۸).

یکی از مهم‌ترین ضرورت‌های اقتصاد کشور، پیاده‌سازی نظام مالیاتی بر مبنای قوانین اسلام است. در این بخش ورود پرداختی دینی و مذهبی در نظام مالیاتی بسیار مهم و تأثیرگذار خواهد بود

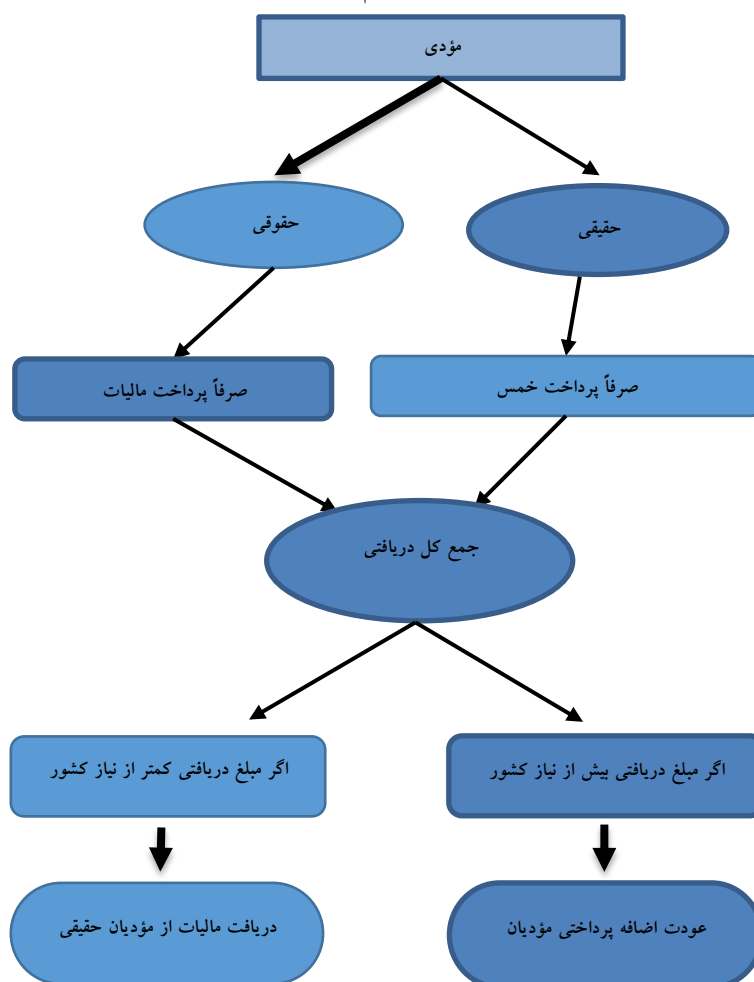
و به بهبود هر دو بخش کمک شایانی خواهد نمود. وقتی به بررسی مصارف خمس و مالیات می‌پردازیم علی‌رغم وجود تفاوت‌های ظاهری، خواهیم دید که در اصل مصارف یکسانی دارند. هر دولتی دارای نظام تأمین اجتماعی است که برای رفع فقر و ریشه کن کردن تبعیض در کشور بنیان گذاری شده است و همچنین هر نظامی مسائل آموزش عالی و مصالح عالی کشور را داراست و خمس نیز مانند مالیات ناظر به همه این‌ها است.

۷. راهکار پیشنهادی

پس از بررسی پژوهش‌های انجام شده، نوبت به ارائه راهکار پیشنهادی این پژوهش می‌رسد. این راهکار بر چند اصل اساسی استوار است که باید یکی پس از دیگری پیاده‌سازی گردد و به شرح زیر است:

- تشکیل کمیته فنی متشکل از خبره‌ترین کارشناسان حوزه و مالیات؛
 - دسترسی کامل این کمیته به داده‌های مربوط به درآمد خمس و مالیات؛
 - تفکیک انواع مالیات‌های دریافتی از مؤدیان حقیقی و حقوقی از جمله، درآمد، عملکرد، تکلیفی، ارزش افزوده و ...؛
 - لازم‌الاجرا بودن تصمیمات کمیته فنی بر اساس مجوزهای دریافتی از نهادهای مسئول؛
 - ایجاد انعطاف لازم در قوانین موجود برای پذیرش اصول جدید مصوب شده.
- مؤدیان در این روش بر اساس حقیقی و حقوقی بودن، یا به عبارتی همان شخص و شرکت بودن تفکیک می‌شوند. در ابتدا مؤدیان حقیقی، چه صاحبان مشاغل و چه کارمندان دولت و سایر اقشار، موظف به پرداخت خمس می‌گردند و مؤدیان حقوقی با توجه به تکالیف قانونی خود موظف به پرداخت مالیات‌های مصوب دولتی، کما فی السابق خواهند بود. کل مبالغ دریافتی در یک صندوق مشخص و البته به صورت تفکیک شده قرار می‌گیرد. کمیته فنی متشکل از کارشناسان حوزه و امور مالیاتی بر اساس نیازسنجی انجام شده بر اساس داده‌های موجود مربوط به سال قبل که نیاز کشور را به میزان مشخصی از خمس و مالیات نشان می‌دهد و بر اساس نرخ تورم اعلام شده از سوی نهادهای رسمی و دولتی، تشخیص می‌دهند که مبلغ دریافتی بیشتر یا کمتر از نیاز کشور است. اگر مبلغ دریافتی بیش از نیاز کشور باشد، بر اساس تقسیم‌بندی مبلغ میان مؤدیان حقوقی مبلغی به عنوان اضافه پرداختی برای آنان شناسایی شده و اضافه پرداختی مؤدیان حقوقی به آنان عودت داده شده،

یا به عنوان مازاد پرداختی برای سال بعد آنان ذخیره می‌گردد و مؤدیان حقیقی که خمس پرداخت کرده‌اند، نیازی به پرداخت مالیات ندارند؛ اما اگر مبلغ پرداختی کمتر از نیاز کشور باشد، در مؤدیان حقیقی، آن دسته که صاحبان مشاغل به شمار می‌آیند، با توجه به اینکه درآمدهای بیش از کارمندان و سایر اقشار، همراه با افزایش تورم افزایش می‌یابد، علاوه بر خمس پرداختی مؤلف به پرداخت مالیات می‌گردند. این روش با توجه به انعطاف موجود، می‌تواند به بهترین شکل ممکن در برابر آسیب‌های ناشی از پرداخته‌ای دوسویه بی‌هدف ایستادگی کرده و شرایط را برای تحقق و توسعه عدالت اجتماعی در جامعه اسلامی فراهم نماید.



منابع

- احکام خمس، برگرفته از جلد اول رساله آموزشی، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای.
- شیرازی، مکارم. (۱۳۷۳). ترجمه قرآن کریم، تهران، پایگاه کتابخانه مدرسه فقاقت.
- سیوری حلّی، مقداد بن عبدالله. (بی‌تا). کنز‌العرفان فی فقه القرآن، مترجم، محقق و مصحح: عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم، قم، چاپ اول.
- مؤمن، محمد. (۱۳۸۰). رابطه خمس و زکات با مالیات‌های حکومتی. فصلنامه اقتصاد اسلامی. ۱(۲). ۲۳-۳۲.
- فرهنگ، منوچهر. (۱۳۷۱). فرهنگ بزرگ علوم اقتصادی. تهران. البرز. چاپ اول. جلد ۱.
- عرب مازار، علی اکبر، دهقانی، علی. (۱۳۸۸). برآورد کارایی مالیات بر درآمد مشاغل و اشخاص حقوقی. پژوهشنامه مالیات فصلنامه علمی سازمان امور مالیاتی. ۱۷(۷). ۴۵-۶۴.
- ویلم فلور. (۱۳۹۴). تاریخچه مالی - مالیاتی ایران از صفویه تا پایان قاجاریه. تهران. نشر تاریخ ایران.
- مدرسی، محمدتقی. (۱۴۱۸. ق). احکام الخمس. تهران. انتشارات المدرسی. چاپ اول.
- مؤحدی بکنظر، مهدی، رضایی، محمدجواد. (۱۳۹۱). ارتباط وجوهات شرعی و مالیات‌های حکومتی در الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی. پژوهشنامه مالیات. ۶۳. ۱۵۳-۱۷۳.
- احمدعلی یوسفی و همکاران. (۱۳۷۹). نظام مالی اسلام. مرکز نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه. ۲۵-۴۳.
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه. (۱۳۷۹). مبانی اقتصاد اسلامی. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. تهران. سمت. چاپ سوم.
- برزنجی، صباح. (۱۳۸۰). بررسی تطبیقی آیه خمس، نشریه مقالات و بررسی‌ها. ۳۴(۶۹). ۹۵-۱۱۱.
- مؤسسه التاریخ العربی. (۱۴۰۵. ق). فسیر قرطبی. جلد ۶. بیروت.
- فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۳۷۹). تفسیر کبیر. جلد ۲۶. تهران. نشر اساطیر.
- محمد یزدی. (۱۳۶۴). وجوهات و مالیات. مجله نورعلم. ۹. ۷۶-۹۰.

- شعبانی، احمد، کاشیان، عبدالمحمد. (۱۳۹۵). طراحی سازوکار ورود خمس و زکات به نظام مالیاتی ایران و آثار بالقوه اقتصادی آن. نشریه مطالعات اقتصاد اسلامی. ۸(۲). ۷۴-۳۹.
- شمس‌الدینی مصطفی، شهرکی، جواد. (۱۳۹۰). پیاده‌سازی یک الگوی مالیاتی مناسب از منظر قوانین مالیاتی اسلام. مطالعات اقتصاد اسلامی. ۲(۶). ۹۷-۱۲۴.
- سالاری، ابودر. (۱۳۹۰). بررسی تأثیر نظام مالیاتی بر فضای کسب و کار. مجله اقتصادی - ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی. ۹. ۱۱۱-۱۳۰.
- سلیمانی، محمد، سرمست شوشتری، مهدی. (۱۳۹۸). طراحی الگوی جایگزینی خمس ارباب مکاسب و مالیات بر مجموع درآمد در اقتصاد اسلامی ایران. معرفت اقتصاد اسلامی. ۲. ۱۷۹-۱۹۵.